

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 5, Summer 2022, 275-295
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.37251.2302

A Critical Review on the Book
Fundamentals and Theory of Religious Knowledge
Management and its Applications

Rasoul Ranjbarian*

Zainab Delrobaei**

Abstract

One of the best ways to maintain knowledge and efficiency of knowledge capital is knowledge management. Knowledge management is a management tool and the process of creating value from the invisible assets of the organization. The purpose of this article is to critically review the book *Fundamentals and Theory of Religious Knowledge Management and its Applications* by Hassan Ali Nemat Shamsabad. In this article, an attempt was made to critically and unbiasedly critique the book with a descriptive-analytical approach, citing evidence and documents based on the evaluation criteria introduced by the Council for the Review of Humanities Texts and Books. The tool of critique of the worksheet was the critique of the textbooks and academic books of the Council for the Review of Humanities Texts and Books. Criticisms were presented in both form and content. Accordingly, the main strengths of the book are the comprehensiveness of the content, systematic approach, coherent and structured view of the issues, compatibility of the work with Islamic wisdom and modeling in scientific-academic sources according to Islamic sources. One of the shortcomings and points that can be improved in the book is that it has a theoretical rather than practical effect. This article tries to add to the richness of the

* Assistant Professor, Department of Public Administration, Shahindezh Branch, Islamic Azad University, Shahindezh, Iran (Corresponding Author), ranjbarian1404@gmail.com

** PhD Student, Department of Public Administration, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, zdel6766@gmail.com

Date received: 16-03-2022, Date of acceptance: 27-06-2022



۲۷۶ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۵، مرداد ۱۴۰۱

book's topics by looking critically at the formal and content dimensions of the work and relying on research citations.

Keywords: Management, Knowledge, Science, Culture, Model, Islamic.

نقد و بررسی انتقادی کتاب مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن

رسول رنجبریان*

زینب دلربائی**

چکیده

مدیریت دانش یکی از بهترین روش‌ها برای حفظ و بهره‌وری از سرمایه‌های دانشی است. مدیریت دانش ابزاری مدیریتی و فرایند ایجاد ارزش از دارایی‌های نامرئی سازمان است. هدف این مقاله نقد و بررسی انتقادی کتاب مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن، اثر حسن‌علی نعمتی شمس‌آباد، است. در این مقاله، تلاش می‌شود تا با رویکرد توصیفی-تحلیلی، با ذکر شواهد، مستندات، و بر مبنای معیارهای ارزیابی معرفی‌شده توسط شورای نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی، به نقد منصفانه و بدون سوگیری کتاب مذکور پرداخته شود. ابزار نقد کاربرد نقد کتب درسی و دانشگاهی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی بود. نقدها از دو نظرگاه شکلی و محتوایی ارائه شدند. بر این اساس، نقاط قوت اصلی کتاب جامعیت محتوا، نگرش سیستمی، دیدگاه منسجم و ساختارمند به موضوعات، سازواری اثر با حکمت اسلامی، و الگوبرداری در منابع علمی-دانشگاهی، باتوجه به منابع اسلامی، است. از کاستی‌ها و نقاط قابل ارتقا در کتاب این است که اثر رویکرد نظری دارد تا کاربردی. این مقاله با نگاه انتقادی بر ابعاد صوری و محتوایی اثر و با اتکا به استنادات پژوهشی سعی کرده است تا بر غنای مباحث کتاب بیفزاید.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، دانش، علم، فرهنگ، الگو، اسلامی.

* استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد شاهین‌دژ، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهین‌دژ، ایران (نویسنده مسئول)
ranjbarian1404@gmail.com

** دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
zdel6766@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶



۱. مقدمه

مدیریت دانش در بیست سال گذشته به دنبال جایابی خود به عنوان موضوعی جدید از سازمان و مدیریت بوده است و این حرکت با ظهور ایده‌های جدید کماکان ادامه دارد. جدیدترین بحث‌های حوزه مدیریت دانش این است که نظریه‌های آن، به جای انجام تحقیق برای تبیین رابطه بین عوامل دانش و مزیت رقابتی، به سؤالات و روندهای جدید نیاز دارد. به همین دلیل، واکاوی مسائل و روندهای جدید در این عرصه قابل توجه است. در کشور ما، مدیریت دانش حوزه جدیدی است که جنبه نظری آن بر جنبه عملی غلبه دارد (محمدی فاتح و دیگران ۱۳۹۳: ۵). سازمان‌های پیش‌رو به جمع‌آوری دانش نهفته نزد کارکنان و گروه‌های کاری اقدام می‌کنند که به آن سرمایه دانش گفته می‌شود. امروزه، سرمایه‌های واقعی یک سازمان تنها سرمایه مالی و فیزیکی نیست، بلکه سرمایه دانش افراد از آن دو مهم‌تر است و بیش‌تر مورد توجه مدیران قرار می‌گیرد (شوقی و دیگران ۱۳۹۶: ۹). اساسی‌ترین مشخصه سازمان‌های هوشمند قرن بیست‌ویکم تأکید بر دانش و اطلاعات است. مدیریت دانش می‌تواند چتری برای گستره راه‌کارهای مورد استفاده به منظور اداره دانش نیروی کار سازمان در نظر گرفته شود. اخیراً، دانش دارایی اولیه سازمان‌ها فرض می‌شود (خلیل‌نژاد و دیگران ۱۳۹۶). سازمان‌های موفق دریافته‌اند که دانش مهم‌ترین دارایی آن‌هاست و برخی اصول اساسی مدیریت دانش در کارکنان و سازمان وجود دارد و آنان به مدیریت دانش به منزله عامل کلیدی موفقیت در سازمان می‌نگرند. به همین دلیل، سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی برای به‌کارگیری این نوع مدیریت هزینه کرده‌اند. مدیریت دانش متشکل از دامنه‌ای از استراتژی‌ها و رویه‌هاست که در یک سازمان برای رسیدن به اهداف آن با استفاده بهینه از دانش یا توانایی یک سازمان در استفاده از سرمایه معنوی و دانش دسته جمعی به منظور دستیابی به اهداف خود از طریق فرایندی شامل تولید دانش، بهره‌گیری دانش، و استفاده از آن به کمک فناوری است (رنجبریان و حسن‌بیگی ۱۳۹۷).

سازمان‌ها باید برای ایجاد و کنترل دانش سازوکارهایی داشته باشند. در شرایط کنونی، یکی از عواملی که سبب دگرگونی چهره اقتصادی، اجتماعی، و صنعتی یک کشور می‌شود فعالیت‌های کارآفرینانه، برخورداری از روحیه کارآفرینی، و درنهایت کارآفرینی انسان است (شوقی و دیگران ۱۳۹۶). توانایی شرکت‌ها برای رشد و رقابت در دهه آینده به طور فزاینده هم به دست‌رسی و بهره‌گیری از دانش مناسب برای عملیات تجاری و هم عملکرد و مهارت کارکنان دانشی بستگی دارد (فاتح و دیگران ۱۳۹۳: ۱۰۰).

از یک دیدگاه، درمورد مؤلفه‌های مدیریت دانش می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. ایجاد و اکتساب دانش، ۲. توزیع و یک‌پارچگی دانش، ۳. ذخیره دانش (دری نوکرانی و دیگران ۱۳۹۵: ۱۰). سازمان‌ها، بدون داشتن بستر مناسب مدیریت دانش، نمی‌توانند بهره‌وری سازمانی داشته باشند. بنابراین، در این خصوص باید سیاست‌های اثربخش تدوین شود. به نظر پیتر دراگر، تنها منبع مزیت رقابتی پایدار در آینده دانش خواهد بود. دانش تنها منبعی است که هرچه از آن بیش‌تر استفاده شود، خود نیز افزایش می‌یابد.

به‌طور کلی، هدف این مقاله نقد و بررسی شکلی و محتوایی کتاب مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن است. در نقد شکلی، کل کتاب یک‌جا در نظر گرفته می‌شود، در بررسی محتوایی نیز به هر یک از فصول کتاب به‌طور مجزا پرداخته، و در انتها به جمع‌بندی دیدگاه نویسندگان مقاله از این بررسی پرداخته می‌شود. در این کتاب، برای بازسازی مدیریت دانش دین‌بنیان، به‌عنوان یک رشته دانشگاهی، مباحثی مانند مبانی هستی‌شناسی دانش، معرفت‌شناسی، و انسان‌شناسی دینی تبیین شده است. اصول و نظریه‌های مطرح در حکمت اسلامی که امکان استفاده از آن‌ها در زمینه نظریه‌پردازی در قلمرو مدیریت دانش وجود دارد، موردشناسایی و استفاده قرار گرفته است. از نقاط اصلی کتاب این است که یکی از منابع درسی در رشته مدیریت به‌صورت عام و گرایش مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی به‌شکل خاص مطرح است. در این نوشتار، تلاش شده است تا به‌روش توصیفی-تحلیلی، تا حد امکان با ذکر شواهد، مستندات، و بر مبنای معیارهای ارزیابی به نقد منصفانه و بدون سوگیری کتاب مذکور پرداخته شود.

۲. معرفی و ارزیابی شکلی کتاب

۱،۲ مشخصات کتاب و نویسنده

مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن به‌قلم حسن‌علی نعمتی شمس‌آباد نوشته شده است. نعمتی شمس‌آباد دارای درجه دکتری مدیریت فناوری اطلاعات، گرایش مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی، از دانشگاه تهران و عضو هیئت‌علمی دانشکده مدیریت، گروه مدیریت فناوری اطلاعات، دانشگاه تهران بود. کتاب موردنقد را اولین بار نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در سال ۱۳۹۷ به‌چاپ رساند. آخرین چاپ اثر در سال ۱۳۹۸ بوده است. نویسنده از جان‌بازان شیمیایی هشت سال دفاع مقدس بود که پس از سال‌ها

تحمل رنج و مشقت به لقاءالله پیوست. او کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه مدیریت به‌رشته تحریر درآورده است.

۲,۲ معرفی ساختار کتاب

نویسنده با ساختاری خوب در مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن سعی کرده است تا مطالب را به خواننده به‌طور جامع و کامل ارائه کند. به همین منظور، با دو بخش اصلی و دوازده فصل به تبیین موضوع پرداخته است. کتاب با مقدمه‌ای از یک نویسنده نام‌آشنای مدیریت کشورمان، به نام دکتر سعید تسلیمی، و پیش‌گفتار مؤلف آغاز می‌شود. در ابتدای هر فصل، درمورد کلیات آن فصل، هدف کلی، و هدف‌های یادگیری به‌صورت کلی توضیح داده شده است.

بخش اول به مبانی نظری مدیریت دانش دین‌بنیان اختصاص یافته است. این بخش هشت فصل دارد که در آن به پیشینه، نظریه‌ها، و پارادایم‌های مدیریت دانش در علم مدرن و غرب و همچنین مطالعات دینی و اسلامی در این زمینه پرداخته شده است. در ابتدا، با مروری نظام‌مند، ادبیات مدیریت دانش و مبانی نظری این رشته علمی در وضعیت موجود در تمدن غرب بررسی شده است و نه تنها گزاره‌های محیط بر این رشته مشخص شده، بلکه از یک سو ارتباط این مبانی با پارادایم‌های مستقر در علم مدرن و از سوی دیگر، ارتباط بین نظریه‌ها و کاربردهای آن‌ها روشن شده است. در فصل اول، نویسنده به مبحثی با عنوان «علم در قرآن و سنت» پرداخته و کاربردهای ماده علم، مفاهیم تصویری، و معارف تصدیقی مربوط به علم در قرآن کریم را معرفی کرده است. در فصل دوم، به «چهارچوب فکری نظریه: تفکر مذهبی» پرداخته شده است. در فصل سوم، «اصول و مبانی هستی‌شناسی دانش و معرفت‌شناسی دین‌بنیان» مورد بررسی قرار گرفته است. فصل چهارم «اصول و مبانی انسان‌شناسی دین‌بنیان» را شرح می‌دهد. در فصل پنجم، به تبیین «اصول و مبانی تمدن و مدیریت دین‌بنیان» پرداخته شده است. در فصل ششم، به «اصول و مبانی اجتماعی، سازمانی دین‌بنیان» اشاره شده است. فصل هفتم، با عنوان «نظریه مبانی تولید علم» در این فصل، به بررسی کارهای قبلی انجام‌شده در این زمینه پرداخته است و فصل هشتم، تحت عنوان «به‌سوی نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان»، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

بخش دوم، با عنوان نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن، شامل چهار فصل است. فصل اول «نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان» را بررسی می‌کند. در فصل دوم، با عنوان «تحلیل و بررسی نظریه (با استفاده از معیارها و شاخص‌ها)»، برخی از نظریه‌های زیربنایی به‌کاررفته به‌صورت اجمالی معرفی می‌شوند. در فصل سوم، «دستاورد های نظری و نتایج عملی نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان» مورد بررسی قرار می‌گیرد و در فصل چهارم به «جمع‌بندی و نتیجه‌گیری» پرداخته شده است.

۳,۲ ویژگی‌های فنی اثر

مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن مشتمل بر ۴۶۷ صفحه است. عنوان کتاب بر روی جلد کاملاً مشخص است و طراحی جلد کتاب ساده و تاحدی مرتبط با عنوان و از جذابیت بصری برخوردار است. طرح لامپ، با رشته‌های رنگی متقاطع یک‌دیگر، تفکر نقادانه به موضوع مدیریت دانش را القا می‌کند و به‌خوبی از عنوان کتاب حمایت می‌کند. صحافی اثر کیفیت خوبی دارد. قطع اثر متناسب با محتواست و برای کتب علمی و دانشگاهی مناسب ارزیابی می‌شود. کتاب در مجموع به زبانی ساده، شیوا، و قابل فهم برای خوانندگان، به‌ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی، نگارش شده است.

۴,۲ ویرایش ادبی

این کتاب، به‌علت این‌که رساله دانشگاهی است، از متن روان و قابل درکی برخوردار است. در این اثر، قواعد نگارشی به‌خوبی رعایت شده است. برای نشان‌دادن ترتیب مطالب و زیرمجموعه، به‌خوبی از اندازه قلم مناسب استفاده شده است. این اثر پانویشت دارد و هر جا لازم بوده، توضیحات بیش‌تر درج شده است. نوع و اندازه قلم، باتوجه‌به محتوای کتاب که آموزشی است، مناسب به‌نظر می‌رسد. فاصله بین سطور و نوع قلم در این کتاب مناسب است. صفحه‌آرایی اثر مواردی مانند تنظیمات، شماره صفحه، و فاصله کنار کاغذ از مطلوب است و در این اثر غلط‌تایی به‌چشم نمی‌خورد و قواعد نگارشی و ویرایش به‌خوبی رعایت شده است. از نظر ترتیب فصول و پیوستاری مطالب، که در مرور اجمالی نیز به آن اشاره شد، به‌خوبی موضوع کتاب دنبال می‌شود. کمیت فصول از نظر تکمیل مباحث در این اثر مطلوب است.

۵,۲ رعایت اصول علمی ارجاع‌دهی

کتاب *مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن* ارجاعات درون‌متنی دارد و منبع‌دهی در متن به صورت کامل صورت گرفته است، اما انتهای هر فصل کتاب‌شناسی مرتبط با آن فصل ذکر نشده است. معادل‌سازی واژه‌های لاتین به درستی انجام شده که می‌توان گفت از نقاط مثبت اثر است. از امتیاز دیگر در ارجاع‌دهی این اثر ذکر فهرست منابع فارسی، عربی، و لاتین است که کاملاً اصول ارجاع‌دهی رعایت شده است و هم‌چنین نمایه‌های آیات، روایات، اشخاص، و اصطلاحات نیز آمده است.

۳. تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

۱,۳ بررسی ابعاد آموزشی اثر

کتاب *مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن* باتوجه به سرفصل مصوب وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته مدیریت تهیه شده است. به علاوه، به دلیل جامعیت محتوا، به علاقه‌مندان و محققان نیز پیشنهاد می‌شود. محتوای اثر تاحدی جدید و قابل‌تأمل است و می‌تواند از زیرمجموعه‌های منابع درسی مبانی مدیریت اسلامی نیز باشد.

در ابتدای هر فصل، مقدمه‌ای آمده که در آن هدف از مطالب آورده شده در آن بخش ارائه شده است. در تمام فصول مثال‌هایی مرتبط با هدف اصلی اثر و بحث موردنظر آورده شده است که این به جنبه کاربردی بودن اثر کمک شایانی کرده است. جداول و نمودارها در این اثر برای درک مفهوم بیش‌تر مورد استفاده قرار گرفته است. در مورد محتوای اثر ذکر این نکته ضروری است که تعدد و تنوع مطالب کتاب آن را به اثری حجیم و مطول بدل کرده است که می‌تواند خواننده متمرکز بر موضوع را از ادامه مطالعه دل‌سرد کند. در ادامه، در اثر حاضر در دو بخش که در بخش اول هشت فصل و در بخش دوم چهار فصل از منظر نقاط قوت و نقاط ضعف با رویکرد آموزشی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

بخش اول، تحت عنوان «مبانی نظری مدیریت دانش دین‌بنیان»، در هشت فصل مطرح و تبیین می‌شود. در این بخش، فصل نخست با عنوان «نگاهی به علم در قرآن و سنت» بعد از مقدمه کوتاه به مفاهیم تصویری علم در قرآن کریم، کاربردهای ماده علم در قرآن، معارف تصدیقی، و درنهایت علم در سنت و حدیث پرداخته شده است. همان‌گونه که از عنوان

فصل برمی آید، نویسنده سرفصل‌های مناسبی را برای ورود به بحث انتخاب کرده است. با ورود به مطالب این فصل مشخص می‌شود که اشاره به سرفصل‌های مذکور به خوانندگان اطلاعات خوبی را منتقل می‌کند و اشاره به آن‌ها در این کتاب به‌جا و مفید به‌نظر می‌رسد. ارائه محتوا در این فصل، براساس منابع ذکرشده در کتاب، متناسب و روزآمد بوده است.

نویسنده در فصل دوم، با عنوان «چهارچوب فکری نظریه: تفکر مذهبی (اصول دین)»، مقدمه‌ای برای تفکر مذهبی، سه راه اصلی در تفکر مذهبی (شامل راه اول ظواهر دینی، راه دوم حجت عقلی، و راه سوم کشف و شهود) را تبیین کرده است. این فصل از کتاب براساس «تفکر مذهبی» یا «تفکر دینی» تدوین شده و مأخذ اطلاعات فکری آن قرآن حکیم است و بر سنت لفظی و عملی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) تکیه و تأکید دارد. تبیین مسائل و موضوعات علمی قلمرو مدیریت دانش، به‌خصوص مبانی نظری آن، قابل‌توجه و تأمل است و زمینه مناسبی را برای مفهوم‌سازی مدیریت دانش با رویکرد اسلامی (قرآنی، دینی، و مذهبی) فراهم می‌آورد.

فصل سوم، تحت عنوان «اصول و مبانی هستی‌شناسی دانش و معرفت‌شناسی دین‌بنیان»، به مفهوم‌یابی اصطلاح دانش برگرفته از قرآن حکیم و مکتب اهل بیت (ع)، معنای دانش، مسئله شناخت در قرآن کریم، مطالعات معرفت‌شناختی با مبانی دینی، ساختار مباحث در نظام معرفت‌شناسی صدرایی، اصول و مبانی مقدماتی موردنیاز برای درک معرفت‌شناسی در قرآن، پاسخ نظام معرفت‌شناسی صدرایی به برخی از مسائل اساسی معرفت‌شناختی، و ارکان و مبانی دانش در حکمت اسلامی برگرفته از قرآن و مکتب اهل بیت (ع) پرداخته است. در این‌جا، درمورد مفهوم‌سازی‌های دانش توسط مفسر بزرگ قرآن، آیت‌الله جوادی آملی، با روش تفسیر موضوعی به جزئیات مبانی معرفت‌شناسی حاکم بر مدیریت دانش دینی تبیین و پرداخته شده است. این فصل خیلی حجیم‌تر از سایر فصول کتاب (۱۲۵ صفحه‌ای) تهیه شده است. درعین‌حال، مطالب تخصصی و سطح بسیار بالا از نظر علمی این فصل برای دانشجویان دوره‌های کارشناسی رشته مدیریت تاحدودی تفهیم‌ناشدنی خواهد بود. خواننده، برای بهره‌مندی از مطالب، باید مطالعات مقدماتی در این حوزه را داشته باشد. مثلاً در صفحه ۸۷ آمده است:

آنچه این دور ثبوت و اثبات را حل می‌کند، گذشته از تفاوت دو مقاوم که درحد خود توان دفع محذور را دارد، این است که مقداری از معرفت‌شناسی بدیهی و غیرقابل‌بحث است که با آن مقدار اصل واقعیت، وجود عالم، اصل معرفت، واقع‌نمایی اجمالی آن

ثابت می‌شود، سپس، دربارهٔ مطالب دقیق آن بحث می‌شود، و گرنه باید اصل معرفت و واقع‌نمایی آن از اصول موضوعه و پیش‌فرض‌ها باشد که تا زمان اثبات برهانی یقین‌آور نخواهد بود (نعمتی شمس‌آباد ۱۳۹۷: ۸۷).

البته، در این اثر، مطالب ثقیل و سنگین علمی زیادی آمده است که باید به‌زبان ساده‌تر بیان شود تا خوانندگان بتوانند از این اثر بهره‌مند شوند.

فصل چهارم «اصول و مبانی انسان‌شناسی براساس روش تفسیر انسان به انسان، امکان و اهمیت انسان‌شناسی، راه‌های شناخت انسان، روش‌های شناخت انسان، شناخت قرآنی انسان، ماهیت انسان، هویت قرآنی انسان، تبیین ساختارهای وجودی انسان برگرفته از قرآن و مکتب اهل‌بیت (ع)، ساختار علمی انسان، عقل نظری: محکومات قوهٔ ادراک، ساختار تمایلات انسان، ساختار توانایی‌های انسان، جمع‌بندی مباحث ساختارهای وجودی انسان، اوصاف انسان در قرآن و تفاسیر مربوط به متشابهات انسان محکم، انسان به محکومات، متشابهات علمی و عملی، ثمره‌های تفسیر انسان به انسان، و ارائهٔ الگویی از شئون علمی و عملی انسان بیان شده است. یکی از امتیازات مهم در این اثر پرداختن به ارائهٔ الگوی علمی و عملی انسان است. در این فصل، نویسنده با توجه به ارائهٔ مطالب درخصوص شناخت انسان براساس ساختارهای وجودی انسان، قوای درونی او، و تعاملاتی که با بیرون خود دارد، الگویی از انسان را ارائه می‌کند که می‌توان از آن به‌مثابهٔ پایه‌ای برای تبیین کنش‌های سازمانی و اجتماعی انسان، به‌خصوص کنش‌های موردنظر در مدیریت دانش، استفاده کرد.

در فصل پنجم، به تبیین «اصول و مبانی تمدن و مدیریت دین‌بنیان» پرداخته شده است. در این فصل، مفهوم‌یابی دینی و اسلامی در اصطلاح مدیریت دانش موردتوجه است که می‌تواند زمینهٔ تدوین رشته‌ای با عنوان «مدیریت دانش دینی» را فراهم کند. این فصل با بررسی الفاظ مدیریت و دانش آغاز می‌شود. با استفاده از مبانی علم دینی، کلیهٔ مفاهیم که این دو لفظ قدرت تحمل آن را دارند بر آن‌ها بار می‌شود. پس از این‌که سبد مفاهیم هریک از الفاظ تکمیل شد، این دو سبد باهم ترکیب می‌شوند و از این طریق، اصطلاح مدیریت دانش براساس مبانی مطمع‌نظر این کتاب مفهوم‌سازی شده است. یکی از امتیازات مهم فصل حاضر این است که منبع مفاهیم آن حقایق براساس نیازهای بنیادین انسان و جامعه در قرآن کریم و روایات معصومان (ع) آمده است.

در فصل ششم به «اصول و مبانی اجتماعی، سازمانی دین‌بنیان» اختصاص دارد. در این فصل، به ضرورت توجه ویژه به مبانی سازمانی و اجتماعی در امر مدیریت دانش پرداخته شده است، به طوری که مدیریت دانش یک امر سازمانی و اجتماعی تلقی شده است و بدون برخورداری از مبانی سازمانی و اجتماعی معین، ورود به این امر ناقص و ناتمام محسوب می‌شود. در فصول گذشته در حوزه سازمان ادبیات مدیریت دانش در حجم وسیعی مورد تحلیل قرار گرفته است و از دیدگاه نویسنده مدیریت در سطح انتزاع بالاتر نیز دور نمانده است و آن را در سطح سازمانی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی، و تمدنی مورد توجه قرار داده است.

فصل هفتم «نظریه مبانی تولید علم» است. در این فصل، به بررسی کارهای قبلی انجام‌شده در زمینه نظریه منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چیستی علم، و علم دینی در این نظریه پرداخته شده است. یکی از نقدهای مهم وارد بر اثر نداشتن نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف است، به طوری که فصل سوم کتاب با ۱۲۵ صفحه تدوین شده است و این فصل تنها سه صفحه را به خود اختصاص داده است. هرچند در این سه صفحه هم مطالب خوبی ارائه شده، نتوانسته است فصلی به این مهمی را پوشش دهد.

فصل هشتم با عنوان «به‌سوی نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان» آمده است. اگرچه این فصل تلاش کرده است استعاره‌هایی برای شناخت حقیقت پدیده مدیریت دانش موجود را پیش‌نهاد کند و هم‌چنین در ادامه این فصل به بحث پایانی در بخش اول اثر با عنوان «آغازی برای مفهوم‌سازی مدیریت دانش دینی» ارائه شده است، ولی باز در مقایسه با سایر فصول این فصل هم در کم‌تر از پنج صفحه به‌تمام رسیده است و نویسنده می‌توانست فصل‌های هفتم و هشتم کتاب را تلفیق و فصلی را با عنوان «بحث پایانی نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان» ارائه کند.

بخش دوم، تحت عنوان «نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن»، در چهار فصل به تبیین موضوع می‌پردازد. نویسنده، در فصل نخست از بخش دوم با عنوان «نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان»، در یازده زیربخش به تبیین فصل می‌پردازد، به طوری که از ضرورت تدوین یک نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان سخن به‌میان می‌آورد و ویژگی‌های ضروری را برای این نظریه در دوازده بند یاد می‌کند و در ادامه، ساختار نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان را، با توجه به مبانی دینی، به صورت ساختار ساده به تصویر می‌کشد. از نقاط

مهم این فصل پرداختن به مباحث کنش انسانی و مدیریتی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به‌خوبی نیز تبیین شده است. یکی از مباحث قابل تأمل در این فصل تکرار عنوان «مطالب تکمیلی» هم در صفحه ۳۶۸ و هم در صفحه ۳۷۱ است که تکرار عنوان ضروری نمی‌نماید.

فصل دوم به موضوع «تحلیل و بررسی نظریه (با استفاده از معیارها و شاخص‌ها)» اختصاص یافته است. برخی از نظریه‌های زیربنایی به‌کاررفته به‌صورت اجمالی معرفی می‌شوند. یکی از نقاط ضعف این فصل این است که به‌طور خلاصه این نظریه‌ها تشریح شده است. این فصل با حجم بسیار کم (پنج‌صفحه‌ای) درمورد تحلیل و بررسی نظریه با دو رویکرد که رویکرد اول به‌استناد نظر خبرگان حوزه و دانشگاه و رویکرد دوم با ده معیار و ویژگی‌های ضروری از منظر نظریه‌های مختلف به‌صورت تحلیلی و تبیینی مستدل بیان شده است و باید هرکدام از رویکردهای مذکور تشریح و تبیین می‌شدند.

فصل سوم به «دستاوردهای نظری و نتایج عملی نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان» اشاره دارد. این فصل یکی از فصول مهمی است که به نتایج نظری و علمی نظریه یادشده به‌تفصیل پرداخته است و از این لحاظ از نقاط مثبت کتاب تلقی می‌شود. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، می‌توان گفت رشته مدیریت دانش یک نظام منسجم علمی - عملی است که بین مبانی نظری، پارادایم‌ها، نظریه‌ها، و عرصه‌های عمل آن ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. نویسنده از اشکالی که در این فصل ارائه کرده است این ارتباطات را نشان داده است.

بخش پایانی کتاب مشتمل بر یک فصل با عنوان «جمع‌بندی و نتیجه‌گیری» است. این فصل با یک صفحه مقدمه آغاز می‌شود و با دو صفحه پیش‌نهادهایی برای تحقیقات آتی به‌تمام می‌رسد. از نقاط ضعف این فصل نیز، مانند فصل هفتم بخش اول، این است که فقط در سه صفحه تدوین شده است. نداشتن نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف کاملاً محرز و آشکار است، چراکه برخی فصل‌ها بیش از صد صفحه دارند و برخی دیگر در سه تا پنج صفحه تهیه شده‌اند. این انسجام‌نداشتن درونی متن برای یک منبع علمی و دانشگاهی مطلوب نیست. محتوای اشاره‌شده هم کفایت عنوان آن را ندارد و انتظار خوانندگان این است که در فصل جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به این موضوع پرداخته شود، درحالی‌که نویسنده فقط به سه پیش‌نهاد اکتفا کرده است.

به‌طور کلی، در بخش اول، نویسنده تلاش کرده است تا با گذر از مبانی مدیریت دانش موجود، براساس مبانی فلسفه اسلامی و اصول تمدن دینی، در جست‌وجوی مبانی جدید

برای مدیریت دانش متناسب با نگرش دینی و چهارچوب تفکر مذهبی باشد. اصول تمدن دینی، مبانی هستی‌شناسی دانش، معرفت‌شناسی، و انسان‌شناسی هماهنگ با قرآن و عترت به تفصیل بیان شده است تا زمینه استخراج مبانی نزدیک و متناسب با رشته مدیریت دانش فراهم آید. در این بخش، نویسنده درصدد است که ساختار موضوعی مدیریت دانش براساس مبانی دینی استوار شود. در بخش دوم نظریه‌های مدیریت دانش دین‌بنیان را به صورت کاربردی معرفی می‌کند. با توجه به این که مبانی فلسفی و هم‌چنین بسیاری از نیازهای جامعه دینی (اسلامی) با آنچه در غرب وجود دارد متفاوت است و نمی‌توان همه مسائل و نظریه‌های موجود در قلمرو مطالعات مدیریت دانش را بدون دقت نظر پذیرفت، بنابراین، نیاز است تا یک نظریه مدیریت دانش براساس مبانی معرفتی برگرفته از قرآن کریم، مکتب اهل بیت (ع)، و برپایه نیازهای تمدن دینی و دیگر عوامل مؤثر تدوین شود که در بخش دوم کتاب به این مهم پرداخته شده است.

۲,۳ مسئله‌مندی کتاب و پاسخ به نیازهای علمی و کاربردی کشور

کتاب مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن، با مروری نظام‌مند، ادبیات مدیریت دانش و مبانی نظری این رشته علمی در وضعیت موجود در تمدن غرب را بررسی کرده و نه تنها گزاره‌های محیط بر این رشته مشخص شده، بلکه ارتباط این مبانی فلسفی با پارادایم‌های مستقر در علم مدرن نیز مشخص شده است. از یک طرف، ارتباط بین این مبانی پارادایمی و نظریه‌های مدیریت دانش تبیین شده و از طرف دیگر، ربط بین نظریه‌ها و کاربرهایشان روشن شده است و بر این اساس، چهارچوبی چندلایه پدید آمده است که ارتباط بین مبانی نظری، نظریه‌ها، و کاربردهای مدیریت دانش را نشان می‌دهد.

با استفاده از این چهارچوب و براساس معیارهای علم دینی برگرفته از رویکرد انتقادی— رئالیستی حکمت صدرایی، با نقد مبانی مدیریت دانش موجود در تمدن غرب، زمینه برای جای‌گزینی مبانی نظری حکمت اسلامی فراهم شد تا به بازخوانی این رشته از دیدگاهی جدید اقدام شود. باید در نظر داشت که مبانی مدیریت دانش در علم غرب متمایز از مبانی آن در مطالعات دینی و اسلامی است. هدف این کتاب طرح و تبیین مبانی اسلامی مدیریت دانش، علاوه بر مبانی فلسفی غربی، است.

۳,۳ ارزیابی نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف اثر

کتاب مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن در دو بخش و دوازده فصل تنظیم شده است. مطالب کلی اثر انسجام دارند، با یکدیگر مرتبط‌اند، ترتیب و توالی منطقی بین آن‌ها حاکم است، و در ابتدای هر فصل هدف کلی بیان شده است. در خصوص نظم منطقی در درون هر فصل، در هر فصل اهدافی مطرح شده است و با مثال‌های مختلف از دنیای واقعیت سعی بر تفهیم مطالب شده است که این از نکات مثبت کتاب مدنظر است، اما نکته قابل تأمل آن است که انتهای فصل‌ها جمع‌بندی یا نتیجه‌گیری ندارد.

۴,۳ میزان استحکام تحلیل‌ها و تبیین‌های ارائه‌شده در اثر

در عصر زایش و جهش دانش و در دوران انفجار نظریه‌های علمی و پردازش مدل‌ها و ایده‌های گوناگون، بی‌تردید آنچه می‌تواند نهاد علم را «نافع» و نافذ گرداند بهادادن به «اندیشه بنیانی» و در «عرصه عمل» مستقر کردن آن است (نعمتی شمس‌آبادی ۱۳۹۷). به‌علت این‌که سرفصل کتاب در فصول مختلف تا حدود زیادی هم‌دیگر را حمایت و پشتیبانی می‌کنند، از این نظر از انسجام و نقشه راه بسیار خوبی برخوردار است. مدیریت دانش دین‌بنیان یکی از موضوعات مهم علمی و در عین حال کاربردی است. کتاب حاضر در سویه علمی - آموزشی بسیار موفق‌تر از سویه کاربردی عمل کرده است. این نکته نیز مهم است که اشاره شود خواننده یا به تعبیر بهتر، دانشجویان پس از مطالعه کتاب حاضر با مجموعه موضوعات مطرح در زمینه مدیریت دانش دین‌بنیان آشنایی نظری جامعی کسب خواهند کرد، اما چنان‌چه بخواهند آموزه‌های خود را در سازمان به‌منصه عمل درآورند با مباحث متفاوتی روبه‌رو خواهند شد که آنان را به مطالعه و کسب اطلاعات بیش‌تر از کتب کاربردی‌تر در این زمینه مجبور خواهد کرد.

۵,۳ دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی برای واژه‌ها

نویسنده در تمام کتاب اصطلاحات و کلمات تخصصی را به‌صورت واضح بیان کرده است و اصطلاحات مهم و کاربردی با توضیحات بیش‌تر به‌صورت پاورقی آمده‌اند که به‌نظر می‌رسد این کار به‌خوبی انجام شده است. قابل ذکر است که در این اثر از فهرست

اصطلاحات (glossary)، آیات، روایات، و نام اشخاص در پیدا کردن سریع تر و دقیق تر معنای واژگان تخصصی استفاده شده است و همین می تواند یکی از نقاط مثبت این کتاب تلقی شود.

۶,۳ میزان رعایت اصول و اخلاق علمی

درخصوص میزان رعایت اخلاق علمی این نکته بسیار مهم درخور ذکر است که ارجاع علمی درون متنی رعایت شده، ولی در انتهای هر فصل کتاب شناسی نیامده است. نقطه مثبت اثر این است که در پایان هر جمله یا عبارت منبع آن نیز ذکر شده است. برای نمونه، پیامبر اسلام (ص) می فرماید: «چهار چیز است که هر هوشمند و خردمندی از امت من باید به آن ها ملزم باشد؛ شنیدن علم، حفظ کردن آن، نشر آن، و عمل کردن به آن» (ابن شعبه ۱۳۷۶: ۹۵).

۷,۳ هماهنگی - سازواری اثر با ارزش های ایرانی و اسلامی

محتوای علمی کتاب *مبانی و نظریه مدیریت دانش دین بنیان و کاربردهای آن* نه تنها با مبانی و اصول دینی منافاتی ندارد، بلکه قدم مهمی در زمینه مطالعات دینی و اسلامی است. علم از مفاهیم تصویری و تصدیقی تشکیل شده است. در این بخش، ابتدا مفردات و مفاهیم تصویری که در قرآن کریم درباره علم به کار رفته و اکاوی شده است. سپس، گزاره ها و مبانی تصدیقی که در این موضوع آمده بیان شده است.

نتیجه پژوهشی که مقیمی و دیگران در سال ۱۳۸۶ انجام دادند این بود: «مؤثرترین طریق خروج از معضلات کنونی محیط های صنعتی و اداری کشورمان، ایران، تمسک به ریسمان معنویت و فرهنگ اسلامی می باشد» (رنجبریان ۱۳۹۶: ۲۲۶).

به نظر می رسد در زمینه ارتباط بین فرهنگ ایرانی - اسلامی با مدیریت دانش دین بنیان پژوهشی به طور مستقیم انجام نشده بود و این اثر در نوع خود اثری بی بدیل است. از نقاط مثبت دیگر کتاب مدنظر این است که در تمام فصول در مدیریت دانش از دیدگاه اسلام با استنادات مختلف بهره جسته است و مدل های ارائه شده در فصل سوم از بخش دوم، درمورد نظریه های مدیریت دانش دین بنیان، به این مورد صحنه می گذارد.

۸,۳ نقد و تحلیل میزان نوآوری و روزآمدی اثر

باتوجه به این که بسیاری از کتاب‌های مدیریت دانش از منابع لاتین به‌روز و جدید گرفته شده است، این اثر به سهم خود روزآمد و از نوآوری برخوردار است، به طوری که تاکنون منبعی با همین مضمون که بتواند مدیریت دانش را از نگاه اسلامی و دینی بررسی کند دیده نمی‌شود. یکی از ویژگی‌های اقتصاد دانشی تغییر دائمی موقعیت‌ها و شرایط است. بنابراین، سازمان‌ها باید پیوسته دانش خود را غنی و دانش جدید تولید کنند و این دانش را در فرایندها، تولیدات، و خدمتشان به کار ببرند. برای این که سازمان‌ها بتوانند در اقتصاد دانشی موفق باشند، نوآوری مستمر و پیوسته عاملی ضروری محسوب می‌شود و اثربخشی فرایند ایجاد دانش سطح نوآوری را تعیین می‌کند (مقیمی و رمضان ۱۳۹۰: ۲۱). از منظر خلاقیت و نوآوری، این کتاب به نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان پرداخته، از مبانی و نظریه‌های حکمت اسلامی بهره برده، و به ارائه نقد، و بررسی انتقادی از متون مربوط به موضوع در تمدن غرب با رویکرد رئالیستی پرداخته است.

۹,۳ استفاده از منابع معتبر و داده‌های روزآمد

نویسنده در کتاب مدنظر از منابع اصیل و معتبری استفاده کرده است و این موضوع نقطه قوت کتاب محسوب می‌شود که از منابع غنی اسلام شامل قرآن کریم، روایات ائمه اطهار (ع)، و منابع دست‌اول محققان علوم اسلامی بهره برده است. البته، به جز چند منبع انگلیسی مربوط به پیش از سال ۲۰۰۰م، بقیه منابع لاتین به‌روز و جدیدند. منابع فارسی نیز جدید و روزآمدند و مطالب و داده‌های ارائه‌شده از منابع مستند و قابل اتکا ارائه شده‌اند.

۴. نقد و تحلیل روش شناختی

در این پژوهش، به منظور بررسی ابعاد مختلف کتاب مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن، بر اساس الگوی مرسوم مقالات انتقادی، به تجزیه و تحلیل، بررسی، و توجیه مستدل نظریه‌ها پرداخته شده است. لذا، برای نقد، از روش کاوش‌گری فلسفی - انتقادی استفاده شد و مبانی روش شناختی در این پژوهش متناسب با مبانی فلسفی برگرفته شده از قرآن کریم و مکتب اهل بیت (ع) است. ابزار نقد کاربرد نقد کتب درسی و دانشگاهی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی بود. با رویکرد توصیفی - تحلیلی، با

ذکر شواهد و مستندات، و بر مبنای معیارهای ارزیابی معرفی شده توسط شورای نقد و بررسی متون و کتب علوم انسانی، به نقد منصفانه و بدون سوگیری کتاب مذکور پرداخته شد. نقدها از دو منظر شکلی و محتوایی در بخش‌های ۲ و ۳ این مقاله ارائه شدند. بر این اساس، نقاط قوت اصلی کتاب جامعیت محتوا، نگرش سیستمی، دیدگاه منسجم و ساختارمند به موضوعات، سازواری اثر با حکمت اسلامی، و الگوبرداری در منابع علمی - دانشگاهی، با توجه به منابع اسلامی، است. قابل ذکر است که در بخش ۳ به تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر پرداخته و تحلیل مربوط به محتوای کتاب نیز در عنوان ۱،۳ به طور کامل برای همه فصول در زمینه ابعاد آموزشی تبیین و تشریح شد.

۵. ارزیابی نهایی اثر

علاوه بر تأملاتی که درباره محتوای کتاب در بخش ۳ مقاله ارائه شد، نکاتی نیز درباره ابعاد محتوایی، فنی، و ویرایشی کتاب وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان در این محورها برشمرد:

۱،۵ ضرورت متمایز ساختن عناوین فرعی و فرعی‌تر

در فصل‌های این کتاب عناوین اصلی و عناوین فرعی (زیرفصل‌ها) هم‌ترازند و به وسیله اعداد جدا شده‌اند و این امکان را برای خوانندگان فراهم می‌کنند که تشخیص عناوین اصلی و فرعی راحت‌تر باشد.

۲،۵ ضرورت ارائه یک الگوی مشخص برای کتاب

نویسنده، در همه فصول، به صراحت از یک الگوی مشخص استفاده می‌کند که از آن به عنوان «رویکرد تبیین با روش انتقادی» یاد می‌برد، به طوری که در این روش از رئالیسم حکمت صدرایی استفاده می‌کند و این نظریه به گونه‌ای تدوین می‌شود که توانایی بررسی انتقادی دیگر نظریات مدیریت دانش را داشته باشد. لذا، این نظریه از قدرت انتقاد از سایر نظریات برخوردار است، حتی توان انتقاد از خود را دارد، می‌تواند خود را با شرایط جدید وفق دهد، و خود را بازسازی کند.

۳,۵ ضرورت کاربرد اثر در برنامه‌های آموزشی

کتاب مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن می‌تواند منبع درسی مدیریت دانش برای دانشجویان رشته مدیریت فناوری اطلاعات در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در نظر گرفته شود. البته، علاقه‌مندان به زمینه پژوهشی در حوزه مدیریت دانش با الگوی اسلامی نیز می‌توانند از این اثر بهره ببرند. هم‌چنین، این کتاب قابلیت بهره‌برداری از نتایج تحقیق در اسلامی‌سازی در حوزه مدیریت دانش و تأسیس رشته مدیریت دانش اسلامی را دارد.

۴,۵ ضرورت و ارائه بخش محتوایی در اثر

این اثر نقدهای اصلی درمورد نظریه‌های مدیریت دانش از نگاه غرب‌گرایان و با رویکرد اسلامی را به تصویر می‌کشد، به طوری که برای ایجاد نظریه جدید، اولویت با بهره‌بردن از نظریه‌های اصیل مستقر در حکمت اسلامی بوده است. هم‌چنین، از دیگر نظریه‌هایی که با مبانی حکمت اسلامی سازگارند در این اثر بهره برده شده است. برای نمونه، از آن‌جاکه هر نظریه مدیریت دانش به یک نظریه سازمانی یا اجتماعی مبنا نیاز دارد، در نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان اولویت با نظریه سازمانی و اجتماعی است که براساس مبانی حکمت اسلامی ایجاد می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله، کتاب مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن موردنقد و بررسی شکلی و محتوایی قرار گرفت. از آن‌جاکه این کتاب منبع معتبری برای آموزش در دوره‌های تحصیلات تکمیلی است، برای نقد و بررسی انتخاب شد. نقد و تحلیل‌های یادشده نشان می‌دهد که آنچه به‌عنوان نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان در این اثر مطرح شده است، زمینه و ظرفیت تبدیل شدن به یک نظریه جامع در قلمرو مدیریت دانش را دارد. بی‌شک، آنچه در این فرصت کوتاه ارائه شده است خالی از عیب و نقص نیست، اما با سازوکار به‌روزرسانی‌ای که در این نظریه تعبیه شده است، امید اصلاح و بهبود آن وجود دارد.

دانش عامل روشنایی و نوری است که در تاریکی‌ها راه راست را نشان می‌دهد و می‌تواند بر انگیزه‌ها اثر بگذارد و اراده‌ها را به سوی حق حرکت دهد. در این جا، ملاک حق است و نفع شخصی به معنای سود بیش‌تر برای خود جایگاهی ندارد. نتیجه این‌که دانش یک عنصر کلیدی در حیات فردی و اجتماعی بشر است و مدیریت آن در تمدن دینی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. نقطه قوت این اثر می‌تواند آغازی بر انجام رسالت بزرگ در قلمرو مطالعات مدیریت دانش باشد و ارائه نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان سرآغازی با برکت برای دینی‌شدن رشته مدیریت دانش باشد. این کتاب نقاط قوت متعدد و درعین حال (از نظر ناقد) کاستی‌هایی دارد. هدف مقاله برشمردن این نقاط قوت و اشاره به نقاط ضعف برای رفع شدن آن‌ها در چاپ‌های بعدی کتاب بود.

از مهم‌ترین نقاط قوت کتاب جامعیت منحصر به فرد آن است، چراکه تاکنون درمورد مدیریت دانش دین‌بنیان چنین منبعی عرضه نشده است. به‌علاوه، نظم و انسجام فکری نگارنده و دیدگاه نظام‌مند او در پیوند دادن موضوعات به یک‌دیگر در سطح کلان ستودنی است. از دیگر نقاط قوت اثر، که در کم‌تر منبع درسی مشاهده می‌شود، توجه به ارزش‌ها، اصول دینی، اسلامی، و تقریر پیوند آن‌ها با موضوعات کتاب است. درعین حال، کاستی‌هایی در کتاب وجود دارد. کتاب رویکرد نظری دارد تا کاربردی. هرچند نویسنده محترم تلاش کرده است تا با فصل‌هایی به کاربردی‌بودن موضوع تأکید کند، اما رنگ‌وبوی نظری در اثر دیده می‌شود. شاید، به‌عنوان یک کتاب آموزشی در مقطع کارشناسی، رویکرد صرفاً نظری به موضوعات چندان مشکل‌آفرین نباشد، اما در مقاطع تحصیلات تکمیلی در رشته مدیریت، که دانش‌آموختگان اکثراً وارد بازار کار می‌شوند و آموخته‌های خود را در عمل استفاده می‌کنند، رویکرد عملی و کاربردی قطعاً مورد نیاز آنان خواهد بود. کاستی دیگر کتاب، که از نقاط اصلی آن قلمداد می‌شود، نداشتن نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف اثر است، به طوری که چندین فصل در قالب سه تا پنج صفحه درمقابل فصولی با ۱۲۵ صفحه در ارائه مطالب کتاب دیده می‌شود.

نظر به آنچه پیش‌تر تحت عنوان کاستی یا نقاط ضعف کتاب بیان شد، برای ارتقای این کتاب ارزش‌مند، که در زمینه مدیریت دانش اثر مرجع و موثقی است، پیش‌نهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌شود. امید است این نکات در تجدید چاپ کتاب اثر بخش باشند. پیش‌نهادهای در دو عنوان شکلی و محتوایی ارائه می‌شود.

۷. پیش‌نهادهای کاربردی

۱,۷ پیش‌نهادهای دارای قالب شکلی

- رعایت شیوه‌منبع‌دهی در پایان فصول؛
- رعایت شیوه‌منبع‌دهی در جداول، اشکال، و نمودارها در فصول کتاب.

۲,۷ پیش‌نهادهای دارای قالب محتوایی

- تأکید بر رویکرد عملی و کاربردی مباحث، باتوجه‌به عنوان یادشده کتاب؛
- ادغام و حذف برخی فصول با حجم بسیار کم (سه‌صفحه‌ای) و ارائه فصل‌هایی با محتوای کامل، به‌منظور ایجاد نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف اثر.

کتاب‌نامه

- ابن‌شعبه حرانی (۱۳۷۶)، *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و سلم*، ترجمه محمدصادق حسن‌زاده، قم.
- استادی، رسول و روح‌الله تولایی (۱۴۰۰)، «نقد کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن به‌روشن اسنادی»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، س ۲۱، ش ۳.
- خلیل‌نژاد، شهرام، مریم نکوئی‌زاده، و عماد گل‌محمدی (۱۳۹۶)، «رابطه مدیریت دانش با قابلیت نوآوری، باتوجه‌به نقش تعدیل‌گر جهت‌گیری استراتژیک»، *مجله پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی*، دوره ۷، ش ۲.
- دری نوکرانی، بهروز، مسعود کسایی، و فرشید فرخی‌زاده (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل مدیریت دانش و نوآوری فرایند بر توسعه محصول جدید (مورد مطالعه: شرکت‌های کوچک و متوسط شهرک شمس‌آباد تهران)»، *فصل‌نامه مدیریت اطلاعات و دانش‌شناسی*، س ۲، ش ۳.
- رنجریان، رسول (۱۳۹۶)، *طراحی ملی برای پرورش دل‌بستگی کارکنان در بخش دولتی ایران*، رساله دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حساب‌داری، قزوین: دانشگاه آزاد اسلامی.
- رنجریان، رسول و مهدی حسن‌بیگی (۱۳۹۷)، «رابطه بین مدیریت دانش و چابک‌سازی سازمانی: با تأکید بر نقش میانجی‌گری متغیر ارتباطات سازمانی»، در: *مجموعه مقالات پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران*، دانشگاه تهران.
- رنگ‌ریز، حسن و میرزاعلی صبوری‌نیا (۱۴۰۰)، «بررسی و نقد کتاب تقدی بر دانش مدیریت»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، س ۲۱، ش ۳.

نقد و بررسی انتقادی کتاب مبانی و نظریه ... (رسول رنجبریان و زینب دلربائی) ۲۹۵

شوقی، بهزاد، افسانه زمانی مقدم، و پری‌وش جعفری (۱۳۹۶)، «تأثیر مدیریت دانش بر خرد سازمانی با توجه به نقش میانجی هوش هیجانی (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی شهر تهران)، مجله/بتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ۷، ش ۱.

محمدی فاتح، اصغر، نورالدین شرفی نژاد، و اسماعیل ده‌بان (۱۳۹۳)، روندهای جدید در مدیریت دانش سازمانی، تهران: نیاز دانش.

نعمتی شمس‌آبادی، حسن‌علی (۱۳۹۷)، مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

